

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

مطالبه حق به اساس قوانین وضعی

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ!

قوانین مربوط به کارگر، کار فرما را مکلف ساخته تا حقوق کارگر را به صورت کامل بدهد؛ ولی در بحران کار امروز و حرص کارفرمایان، حقوق کارگر ضایع شده و کارگران نمی‌توانند که حق خود را حصول کرده؛ بلکه گاهی مجبوراند که از طریق قوانین حاکم حقوق‌شان را به دست آورند؛ قوانینی که حق‌شان را تصریح کرده است. حالا سوال این است که هرگاه کارگر ظلم و حق تلفی را از طرف کارفرما احساس کرد، جائز است که به قانون تصریح شده وضعی مراجعه نماید؟ ربیحی ابو معاذ

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت اللہ وبرکاتہ!

شما از حکم مراجعه کارگر برای حصول حق‌اش از طریق قوانین وضعی سوال نمودید.

جواب این است که مراجعه کارگر به هدف حصول حق و دفع ظلم به قوانین وضعی مطابق به شریعت جائز است؛ یعنی به شرط این که حق کارگر و ظلم بالای آن از نظر شریعت ثابت باشد؛ پس حقی که از نظر شریعت حق نباشد، حصول آن جائز نیست. بناءً هرگاه چیزی که از لحاظ شرعی حق پنداشته نشود؛ اما مطابق قانون وضعی حق باشد، مطالبه چنین حقی برای کارگر جائز نبوده؛ اما در صورتی که از منظر قانون وضعی و در عین حال از نظر شریعت اسلام حق پنداشته شود، مطالبه چنین حقی برای کارگر جائز می‌باشد.

به گونه مثال: کسی که به خاطر بیان کلمه حق، مورد ظلم قرار گرفته و به زندان می‌افتد، اسلام از چنین شخصی دفاع کرده و از زندان آن را بیرون می‌کند؛ بناءً برای چنین شخصی جائز است که به کسی مراجعه کرده تا از آن دفاع نموده، ظلم را از سرش برطرف ساخته و از زندان آزادش سازد.

مثال دیگر: کسی که مال‌اش مورد سرقت قرار می‌گیرد، اسلام مال مسروقه آن را برایش بر می‌گرداند. پس برای چنین شخصی جائز است تا به کسی مراجعه کرده تا از حق‌اش دفاع نموده و مال مسروقه‌اش را به دست آورد.

و یا مثال دیگر: کسی که خانه‌اش را برای شخص دیگری به طور قسط به فروش رسانده و مشتری قسمتی از قیمت خانه را پرداخته؛ ولی از پرداختن قسمتی دیگر قیمت خانه خودداری و یا انکار می‌کند، این درحالی است که در خانه خریده شده

می‌نشینید و یا آن را تحت تصرف خود در می‌آورد، اسلام در این صورت حق بائع را از مشتری می‌گیرد. بناءً برای چنین شخصی جوائز است که با کسی که قیمت خانه آن را می‌گیرد، مراجعه کند.

به همین ترتیب کارگری که به اساس قرارداد مشخصی در بین او و کارفرما به معاش معینی کار می‌کند و کارفرما از معاش آن کم می‌کند، اسلام کارفرما را مکلف ساخته تا معاش کامل کارگر را پرداخت کند؛ در این صورت برای کارگر نیز جوائز است که به شخصی که از حق آن دفاع کرده و حق آن را حصول کند، مراجعه نماید؛ یعنی هرگاه حق شرعاً ثابت باشد و چنین حقی از کارگر منع شود، برای کارگر جوائز است که در پیشگاه قضا حاضر شده و به خاطر حصول حق خود مراجعه کند. اما در صورتی که حق در قانون وضعی ثابت دانسته شده؛ اما مخالف شرع باشد در این صورت برای کارگر جوائز نیست که در نزد قاضی مراجعه کرده و خواهان چنین حقی گردد. به گونه مثال: کسی که به اساس یک عقد باطل در یک شرکت سهامی سهم‌دار بوده و در وقت تقسیم سهام سودی متوجه می‌شود که یک مقدار از سهامش که به اساس سود و ربا به دست آمده است کم می‌باشد، در چنین حالتی جوائز نیست که به خاطر حصول چنین سهمی به قاضی مراجعه کند؛ هرچند که در قانون وضعی این سهم به عنوان حق ثابت باشد؛ زیرا این شرکت از اساس باطل بوده و مفاد که از چنین شرکتی حاصل می‌شود نیز شریعت آن را نمی‌پذیرد، برای مسلمان لازم است که از چنین شرکتی بیرون شود.

و یا به گونه مثال: کسی که مال خود را به هدف به دست آوردن سود در بانک گذاشته تا فائده مشخصی را به دست آورد؛ اما زمانی که بانک کم‌تر از مفاد توافق شده برای آن پرداخت می‌کند، برای چنین شخصی جوائز نیست که برای حصول این سود که در قانون وضعی به عنوان حق شناخته شده؛ ولی مخالف شرع است به قضا مراجعه کند؛ زیرا این سود موافق قوانین سودی بانک به عنوان حق شناخته شده؛ ولی خلاف شرع می‌باشد و برای مسلمان لازم است که این معامله سودی را با بانک لغو کند.

خلاصه این که هرگاه حقوق مطالبه شده کارگر که به اساس قوانین وضعی حق بوده، به اساس شریعت نیز حق شناخته شود و یا از جمله عقود باشد که مخالف شریعت نباشد، در چنین حالتی برای کارگر جوائز است که این حق را مطالبه کند؛ اما هرگاه حق مطالبه شده تنها به اساس حقوق و قوانین وضعی حق پنداشته شده؛ ولی از نظر شریعت اسلام حق نباشد، برای کارگر جوائز نیست که در چنین حالتی برای حصول این حق به قضا مراجعه کرده و یا آن را بگیرد.

امیدوارم که در همین حد برای جواب سوال شما کافی باشد، الله سبحانه و تعالی عالم‌تر و در همه چیزها با حکمت‌تر است.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

10 شعبان 1441 هـ.ق.

3 اپریل 2020 م.

مترجم: مصطفی اسلام